

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

## E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Seljuq Literature

---

سلاجقه از نظر ادبی عصر گسترش زبان دری از خراسان به داخل فلات ایران و عراق، عجم نمودند، آنها زبان فارسی را زبان رسمی و درباری خود قرار دادند. در این عصر و یا اندکی پیش از آن با لشکر کشی به ری، جبال، اصفهان و همدان، زبان دری از خواستگاه خود خراسان خارج گردید و به داخل فلات ایران و اندکی بعد به آذربایجان نیز راه یافت و به دلیل زبان رسمی حکومت مرکزی بوده به تدریج به لهجه های محلی غلبه یافت و در آن مناطق شاعران نویسندگان ناگزیر بودند فارسی را یاد بگیرند و به آن بسرایند و به تالیف کتاب پردازند. عمومیت یافتن زبان دری در نواحی مرکزی و غرب ایران که زبان ها و لهجه های محلی به عنوان گویش منطقی مردم و زبان عربی به عنوان زبان رسمی و علمی مورد استفاده نویسندگان بود، آن را با محیط تازه از یک طرف و عناصر زبان عربی از طرف دیگر مواجه ساخت و اندک اندک تغییرات در شیوه نویسندگی و شاعری فارسی پدید آورد.

سلجوقیان مراکز آموزش عالی را تأسیس کردند و حامیان هنر و ادبیات بودند. دستاوردهای علمی در دوران سلطنت آنها توسط دانشمندانی مانند عمر خیام و امام محمد غزالی مشخص می شود. در دوره امپراتوری سلجوقی، فارسی به زبان ضبط تاریخی تبدیل شد، در حالی که مرکز فرهنگ زبان عربی از بغداد به قاهره تغییر یافت. بنیادگذاری مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک طوسی در بغداد، بلخ، نیشابور و اصفهان از کوشش های فرهنگی این دوره است. برنامه درسی نظامیه ابتدا به مطالعات دینی، قوانین اسلامی، ادبیات عرب و علم حساب متمرکز شده و بعداً به تاریخ، ریاضیات، علوم فیزیکی و موسیقی نیز تعمیم یافته است.

امپراطوری سلجوقی، از نظر سیاسی و مذهبی، میراث محکمی را برای جهان اسلام به جا گذاشت. در دوره سلجوقی، شبکه ای از مدارس (دانشکده‌های اسلامی) تأسیس شد که قادر به آموزش به مدیران دولتی و علمای دینی بود. در میان بسیاری از مساجد که توسط سلاطین سلجوقی ساخته شده بود، می‌توان به مسجد بزرگ اصفهانی (مسجد جامع) اشاره کرد. استقلال فرهنگی زبان فارسی (از زبان عربی) در امپراتوری سلجوقی شکوفا شد. از آنجا که سلجوقیان، سنت اسلامی یا میراث ادبی قوی از خود نداشتند، زبان فرهنگی مدرسان فارسی خود در اسلام را به کار گرفتند، بدین ترتیب زبان و ادبیات فارسی در کل ایران رواج یافت و زبان عربی در آن کشور جز در آثار معارف دینی ناپدید شد. نویسندگان و مشاهیری مانند: حکیم عمر خیام، امام فخر رازی، امام محمد غزالی، ابوالفرج بنجوزی، شیخ شهاب الدین سهروردی، امام الحرمین جوینی و امثال آنان نیز در این روزگار می‌زیستند.

زبان فارسی در این دوره رواج کامل یافت و بیشتر پادشاهان سلجوقی در گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی و سخن فارسی و تشویق و ترغیب شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان کوشش فراوان کردند. پادشاهان سلجوقی برخی خود شعر می‌سرودند، چنان‌که ملکشاه سلجوقی هم اشعار فارسی حفظ داشت و هم خود به فارسی شعر می‌گفت و همچنین طغرل سوم آخرین پادشاه این سلسله شاعر فارسی گوی بوده‌است. گروهی از شاعران این دوره هم‌چون امیرالشعرا معزی، انوری و خاقانی و نظامی در شمار استادان و بزرگترین شعر و ادب فارسی قرار گرفتند و سخن سرایان و نویسندگان دیگری که در این دوره از پشتیبانی شاهان و وزیران سلجوقی برخوردار بودند عبارتند از: ابوالفضل بیهقی، خواجه عبدالله انصاری، اسدی طوسی، حکیم ناصر خسرو، عمر خیام، سنایی، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیگران شعر فارسی در این روزگار پیشرفت‌هایی کرد و سبک ویژه‌ای به نام سبک عراقی در آن پدید آمد.

هم‌چنین در دوران سلجوقی آثاری چون کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» در داروشناسی و مفردات دارو «زادالمسافرین» ناصر خسرو در حکمت نظری و «کیمیای سعادت غزالی در حکمت عملی به فارسی نوشته شدند؛ ولی کسانی چون زَمَخْشَری و شهرستانی، نیز در این دوره کتب فراوانی به زبان عربی که در واقع زبان دینی به‌شمار می‌رفت تألیف کردند.